

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۷

صفحات: ۱۹۷-۲۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۳/۲۹

نقش ابریشم در روابط تجاری - سیاسی گیلان و روسیه از دوره شاه عباس اول تا شاه عباس دوم (۱۶۶۷ - ۱۶۲۹ م)

غلامرضا رحیمی* / دکتر محمدکریم یوسف جمالی** / دکتر ناصرجدیدی***

چکیده

در دوره صفویه، به ویژه شاه عباس اول، ابریشم گیلان از نظر کیفی و مرغوبیت و از نظر کمی اهمیت زیادی داشت و به عنوان یک کالای صادراتی در حوزه اقتصادی و سیاست دارای نتایج بسیاری در روابط سیاسی و بازرگانی ایران با کشورهای همسایه از جمله روسیه بوده است. دولت روسیه نیز با اهداف سیاسی و تجاری باب روابط را با دولت صفویه گشود و راه‌های شمالی امکانات فراوانی را برای آن کشور فراهم ساخت که رابطه خود را با ایران از طرف دریای خزر و سرزمین‌های شرق و غرب این دریا برقرار کند. دولت روسیه مایل بود تمام ابریشم گیلان از طریق دریای مازندران به آن کشور فرستاده شود، تا مشتریان اروپایی ناگزیر آن را از بازرگانان روسی خریدار نمایند. هدف و مسأله اصلی این پژوهش بررسی و تبیین نقش ابریشم گیلان در روابط تجاری - سیاسی گیلان با روسیه تا پایان دوره شاه عباس دوم است. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و با استناد به متون تاریخی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که شاه عباس اول با استفاده از شم سیاسی خود به دنبال بازاریابی در روسیه برای فروش ابریشم گیلان و اتحاد ضد عثمانی بود. اما روس‌ها هرگز کمکی در حمایت ایران علیه دولت عثمانی نکردند و بیشتر علاقمند به فعالیت‌های تجاری در منطقه گیلان بودند. در دوره شاه عباس دوم گرچه تماس روسیه با ایران به انگیزه‌های مختلفی (خصمانه، تجاوزکارانه، تجاری) صورت گرفت اما در نهایت، باعث توسعه سیاسی - تجاری گیلان شد.

کلیدواژه‌ها

ابریشم، گیلان، مناسبات سیاسی تجاری، روسیه، صفویه.

rahimi.gh.8606@gmail.com

yousef_jamali2000@yahoo.com

n-jadidi@yahoo.com

* گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

** گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

*** گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

۱. بیان مسأله

تاریخ ظهور صفویه در قرن ۱۰ هـ.ق / شانزدهم م، موجب تحولاتی در نظام سیاسی، اقتصادی ایران گردید که از جمله: ایجاد روابط سیاسی گسترده صفویان به ویژه با اروپاییان و همسایگان خود که سرآغازی برای مناسبات بین المللی براساس اقتصاد سیاسی بود. روس‌ها از گذشته‌های دور با ایالت گیلان رابطه داشته اند. یادداشت‌ها و گزارش‌های سیاحان نشان دهندهٔ وسعت ارتباط اقتصادی بین گیلان و روسیه است. ارتباطات گسترده تجاری سبب شد تا برخی از گیلانیان برای گسترش مبادلات خود با روس‌ها، زبان آن‌ها را فرا گیرند. به طور کلی در روابط بازرگانی ایران و روسیه گیلان، از چندین امتیاز برخوردار بود:

۱. پیشرفت دولت عثمانی در اروپا برای دولت‌های مسیحی این قاره، خطری روزافزون بود. این امر سبب گردید که اروپائیان برای جلوگیری از پیشرفت عثمانی - که دشمن مشترک ایران و اروپا محسوب می شد - با صفویان رابطه نزدیکی برقرارکنند که از نظر تجاری حائز اهمیت بود. یکی از بهترین گزینه‌ها برای دستیابی به ایران، عبور از روسیه و دریای خزر و رسیدن به سواحل گیلان و مازندران بود. از اینرو گیلان به دلیل موقعیت جغرافیایی و کمی فاصله بین دو کشور در نواحی شمال اهمیتی دو چندان یافت.

۲. روس‌ها نخستین اروپاییانی بودند که با سرزمین گیلان روابط تجاری برقرار نمودند. روس‌ها پس از تسلط بر ولگا^۱ - از قازان تا دلتای آن واز جمله هشترخان^۲ - تجارت این منطقه را فعالانه در اختیار گرفتند. ثروت وامکانات نسبی مردم گیلان که کاشت و برداشت محصولات به مدد اقلیم مساعد طبیعی در این ناحیه فراوان تر بوده و تربیت کرم ابریشم نیز بازدهی زود هنگام داشت. از این رو، روس‌ها با استفاده از هم جواری، مشتری ویژه مصنوعات و محصولات مردم گیلان بودند و خود نیز کالاهایشان را در اختیار آن‌ها قرار می دادند. بنا به اسناد گمرگی، طی سال‌های (۱۶۷۴-۱۶۷۶م/ ۱۰۸۵-۱۰۸۷ هـ.ق) بازرگان ایرانی، به دادوستد کالا در هشترخان مشغول بوده اند.

۳. به دلیل هم جواری با قزوین (پایتخت) و دسترسی از طریق گیلان به روسیه و اروپا این منطقه برای حکومت مرکزی اهمیت داشت، همچنین ابریشم گیلان - به عنوان یک کالای

۱. ولگا Volga در متون قدیمی فارسی از آن با عنوان آتل یاد شده است. اتل اسم قدیمی حاجی طرخان بوده است.

۲. استراخان (نام این شهر را در متون قدیمی فارسی به صورت هَشْتَرخان، حاجی تَرخان نوشته‌اند. هنوز هم مسلمانان این منطقه نام شهر را حاج طرخان می‌دانند).

استراتژیک در اقتصاد عصر صفوی - مهمترین دلیل ضمیمه کردن این منطقه به حکومت مرکزی و خاصه نمودن آن بود.

۴. در عصر صفوی به دلیل علاقه و تقاضای بازرجهانی نسبت به ابریشم گیلان، این محصول از ارزش زیادی برخوردار شد. ابریشم تولید شده گیلان به روسیه و دیگر نقاط اروپا صادر می شد. از طرفی سلطه حکومت مرکزی با آغاز روابط بازرگانی ایران و اروپا از طریق روسیه - گیلان، همزمان شد. در این زمان امپراتوری عثمانی راههای ارتباطی ایران و اروپا را بسته بود. به همین دلیل، کمپانیهای تجاری اروپایی به ویژه انگلیسی، از طریق شمال ایران تجارت خود را شروع و کمپانی مسکوی^۱ را تأسیس کردند. با چیرگی صفویان بر گیلان، شهر رشت که در مرکز جلگه ی گیلان و بر سر راههای تجاری و ارتباطی قرار داشت، به مرکز داد و ستد ابریشم تبدیل شد و استراخان راه اصلی تجارت با روسیه گردید. بر این اساس روسها به خوبی از امتیازات تجاری با ایران آگاه بودند و عمده مصنوعات خود را به نواحی مازندران، گیلان، شروان می فرستادند و بیشترین خریدهای ابریشم را نیز در همین نواحی انجام می دادند.

ابریشم گیلان از نظر میزان تولید سهم وسیعی در کل تولید و تجارت ابریشم عصر صفوی داشت. شاردن در خصوص تولید ابریشم گیلان می گوید: « محصول سالیانه ابریشم ایران بیست و دو هزار عدل بود، (هر عدل معادل سی و شش من)، ابریشم گیلان هشت هزار عدل، مازندران دوهزار عدل، شیروان و خراسان هر کدام سه هزار عدل بهای کلیه ی محصول ابریشمی که در ایران تولید می شد متجاوز از دوازده میلیون لیور^۲ بود، و در سال ۱۰۷۰ هـ. ق / ۱۶۶۰م مقدار کل تولید ابریشم را بیش از ۲/۵ میلیون کیلوگرم تخمین زد (شاردن، ۱۳۷۲: ۹۰۲). تولید ابریشم در گیلان سبب پیدایش حرفه های گوناگون^۳ و رونق اقتصادی در داخل گیلان شده در همین

1. La Compagnie Moscovite

۲. لیور از واحدهای پول فرانسه بوده است و معمولاً یک تومان را برابر با ۴۵،۵ لیور می دانند. یک میلیون لیور متجاوز از بیست هزار تومان بوده است. لیور فرانسه قریب نیم کیلوگرم (به وزن حقیقی ۴۸۹ گرم و نیم) بوده است، میزان ابریشم سالانه ایران به قول شاردن قریب نه هزار و نهصد خروار می شود که با این احتساب، محصول سالیانه ابریشم ایران حدود ۲،۷۲۸،۰۰۰ کیلوگرم، یا ۹۰۹،۲۳۲ من بوده که ۴۵ درصد آن در گیلان تولید می شده است (مینو رسکی، ۱۳۶۸: ۳۱، فلسفی، ۱۳۴۲: ۲۷۸).

۳. تولیدکنندگان پيله، تجار خرید پيله، مصرف کنندگان پيله تر، دست اندرکاران پيله خشک کنی، نخ کشان و نخ ريسان سنتی، تابنده های ابریشم خام، تجار ابریشم خام و تبدیل کنندگان ابریشم به ابریشم آماده، رنگرزان ابریشم، تجار و واسطه های فروش ابریشم رنگ شده، مصرف کنندگان ابریشم سفید و رنگی، قالی بان، پارچه بافان، کارکنان کارگاه های ابریشم کشی و بافندگی و تجار و فروشندگان قالی و پارچه های ابریشمی (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۴۰۱).

راستا بود که تعداد زیادی تولیدکننده و فروشنده، نیز انواع کارگاه‌های بافندگی با محصولات گوناگون ابریشمی، در اقتصاد گیلان پدیدار شدند. محصولات بسیارمتنوعی در صنعت نساجی، فرش بافی از ابریشم بافته می شد و پارچه‌های ابریشمی از جمله کالاهای صادراتی ایران بود (نوایی، ۱۳۷۲: ۱۱۶). گیلانی‌ها با مباحث تمام همواره از این سخن می گویند که فرآورده‌های سرزمین زرخیزشان نه تنها نیازهای داخلی آنان را مرتفع می کند، بلکه قادر است در نیک بختی و ثروت را به روی بازرگانان سرزمین‌های همسایه نیز بگشاید (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۱۰۶؛ شاردن، ۱۳۷۰: ۱۳۵۰). راه یافتن مقدار زیادی ابریشم از ایران به بازار جهانی به خصوص گیلان به عنوان عمده ترین و با کیفیت ترین مرکز تولید آن، باعث جلب نظر تجار روسی شد. بدین ترتیب روابط خارجی گیلان با وارد شدن روسیه به اقتصاد در جهت رایزنی تجارت ابریشم به اوج خود رسید. این امر موجب تأسیس بندرگاه‌ها و گسترش ترابری دریایی درحاشیه جنوبی دریای خزر شد و طی آن بندرهای فعال زیادی در سواحل شهرهای گیلان به فاصله ای نزدیک از هم پدید آمد و تحولات و دگرگونی‌هایی منطقه ای وجهانی گیلان را سبب شد.

سال ۹۵۹ هـ.ق/۱۵۵۲م سرآغاز روابط ایران و روسیه در دوره صفویه است؛ روس‌ها در دوره حکومت ایوان چهارم (مخوف)^۱ (۱۵۸۴-۱۵۳۳م) در سال ۹۵۹ هـ.ق قازان را تصرف کرده و به سلطنت خوانین تاتار قازان و آلتون اردو (اردوی زرین) پایان دادند. دو سال پس از آن به حاجی طرخان دست یافتند و دامنه تسلط آن‌ها به ساحل شمالی دریای خزر و مصب ولگا رسید و این رودخانه مهم را از سرچشمه تا مصب آن که نقش کلیدی در تجارت شرق داشت تحت سیطره خود در آوردند. این امر برای دولت صفویه خطرآفرین بود به دلیل آنکه ناگهان رقیبی نیرومند و

۱. ایوان چهارم واسیلیویچ یکی از تزاران امپراتوری روسیه بود. به خاطر جنایات بی‌بدیلیش در کشور روسیه به او لقب «ایوان مخوف/Ivanle Terrible» داده‌اند. ایوان مخوف، در قرن شانزدهم بر روسیه مسلط شد (هم‌زمان با تأسیس سلسله صفویه در ایران) و توانست از هر طرف روسیه را گسترش دهد و امپراتوری عظیمی را به وجود آورد. او در سال ۱۵۵۱م قازان را گرفت و قدرت خود را تا سواحل شمالی دریای مازندران گسترش داد. در این زمان پیشروی‌های ایوان مخوف هنوز به حدی نرسیده بود که با ایران مرز خشکی پیدا کند؛ زیرا نواحی غرب دریای مازندران عمدتاً در تصرف عثمانی بود (مهدوی، ۱۳۶۸: ۴۰).

۲. آلتین اردو (بازماندگان مغولان و تاتارها) (Golden Horde/اردوی زرین)، اصطلاحی که به حکومت اولاد باتو، پسر جوچی، در دشت قبیچاق و ولایات و ممالک شرقی و جنوبی و غربی و شمالی آن گفته می‌شود. این حکومت از نیمه دوم سده ۷ق/۱۳م تا نیمه ۹ق/۱۵م دوام داشت و بعد به دولت‌های کوچکتری منقسم شد و سرانجام همه متصرفات آن به دست دولت روسیه تزاری افتاد (ابن بطوطه، ۱۳۸۴).

متجاوز از شمال دریای خزر سوار بر کشتی‌های بزرگ و تیزرو در آب‌های بحر خزر به عمل پرداخت (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۱۰۸).

در زمان شاه طهماسب اول دومین پادشاه صفوی که معاصر ایوان چهارم بود، چند واقعه در حول وحوش دریای خزر روی داد که در تحولات سیاسی و اقتصادی و به تبع آن بر روند سیاسی دولت صفوی تأثیر داشت: ابتدا تصرف حاجی ترخان توسط روسیه در سال ۹۶۳ هـ.ق/۱۵۵۶ م بود که در نتیجه تصرف این شهر مهم، روس‌ها نه تنها مالک قسمت سفلی رودخانه ولگا شدند، بلکه بندر مهمی نیز برای تجارت بین‌المللی در بحر خزر به دست آوردند. بعد مهاجرت بازرگانان روسی به شماخی است که پایتخت ایرانی شروان بود (لاکهارت، ۱۳۴۴: ۶۲).

پس از آنکه روس‌ها شهر حاجی طرخان را گرفتند و حدود خاک آن‌ها به خاک ایران نزدیک شد؛ روابطی بین دو مملکت حاصل گردید که بیشتر تجارتي بود و دامنه همین روابط به تدریج به جایی کشید که شرکت‌های بزرگ در روسیه به قصد تجارت با ایران تشکیل یافت و اقدامات مهم به عمل آمد، چنانکه در سال ۹۶۲ هـ.ق/۱۵۵۵ م ریچارد چانسلر^۱ «کمپانی مسکوی» را با هدف برقراری روابط تجاری با ایران و هند تأسیس نمود (نوائی، ۱۳۶۶: ۱۷۵). هدف چانسلر این بود که ابریشم گیلان و مازندران را به حاجی طرخان حمل نماید و از طریق خشکی و راه روسیه با سرزمین‌هایی که در مشرق و جنوب بحر خزر قرار داشتند روابط بازرگانی برقرار نماید (لاکهارت، ۱۳۸۷: ۲۲۳). در سال ۹۶۹ هـ.ق/۱۵۶۱ م یعنی در دوره سلطنت شاه طهماسب اول،

۱. ریچارد چانسلر / Richard Chancellor در سال ۱۵۵۳، گروهی از شرکای «کمپانی فرصت‌های تجاری»، در جستجوی راه دریایی برای دستیابی به هند، دریانوردی به نام ریچارد چانسلر را روانه کردند. چانسلر، که گم شده بود، به دریای سفید رسید و در سواحل روسیه، نزدیک بندر آرخانگل امروز پهلو گرفت. او به مسکو رفت، با ایوان چهارم، تزار روسیه، دیدار کرد، کشوری به نام انگلستان را به او معرفی نمود و نیت ملکه و بازرگانان انگلیس را برای تجارت با روسیه به اطلاع رسانید. این سرآغازی است بر روابط تجاری انگلستان با روسیه و ایران. چانسلر در سال ۱۵۵۴ به انگلیس بازگشت و بر پایه توافقی که با تزار شده بود «کمپانی مسکوی» در لندن تأسیس شد که طبق فرمان الیزابت انحصار تجارت با روسیه را به دست داشت (شهبازی، ۱۳۵۶: ۵۸۸).

۲. انگلیسی‌ها از اواسط قرن شانزدهم میلادی برای تجارت با شرق و غرب از سرمایه‌داران و تجار و مالکان کشتی‌های تجاری شرکت‌هایی بزرگ در مملکت خود تشکیل داده بودند که از لحاظ تاریخی مقدم‌ترین آن‌ها شرکتی بود به نام «شرکت جهانگردان تاجر انگلیسی» که در سال ۱۵۵۳ م/۹۶۰ هـ ق تشکیل شده و بعدها به اسم شرکت مسکوی یا شرکت روسیه موسوم گردید (رائین، ۱۳۵۶: ۵۸۸).

ایوان مخوف و الیزابت ملکه انگلستان «آنتونی جنکینسن»^۱ تاجر انگلیسی را که در مسکو تجارت مهم داشت و به مناسبت روابط تجاری در ایران نیز معروفیتی حاصل نموده بود برای باز کردن راهی تجاری از طریق مسکو، دریای خزر و مناطق مرکزی آسیا به ایران فرستادند (والسر، ۱۳۶۴: ۱۰۱-۱۰۰).

دو سال بعد از مرگ چانسلر آنتونی جنکینسون نماینده کمپانی مسکوی با دو هدف عمده به دنبال تجارت با ایران بود: یکی آنکه تجارت ایالات شروان و گیلان و مازندران مشهور بود به آنکه ابریشم بسیار به عمل آورد و برای شرکت میدان معامله پرفایده ای بود. دیگر آنکه تجارت با ایالات مزبور بطور غیرمستقیم رقابت با پرتغال بود که در آن تاریخ تقریباً تنها مردم اروپا بودند که با ایران تجارت داشتند و از آنجائی که عمده تجارت پرتغال با سواحل خلیج فارس بود که بخودی خود محصول و مال التجاره ای نداشت و مالی که از آنجا صادر می شد مالی بود که از سرزمینهای دور به آنجا می آمد. لهذا شرکت مسکوی امیدوار بود تجارت مستقیم با ایران را شروع نماید (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۱۰). جنکینسون در اولین سفرش تجارت در استراخان را چنین شرح می دهد: «عمده ترین اجناسی که روسیه با آنجا می آورد عبارتند از: چرم قرمز، پوست قرمزگوسفند، ظروف چوبی، افسار و زین، تاتارها نیز انواع مختلف ابریشم تافته به آنجا می آورند؛ و آنهایی که از ایران، برای مثال شماخی (شروان) خارج می شوند، ابریشم ویژه دوخت و دوز که در سرزمین روسیه کاربرد دارد، انواع گوناگون ابریشم رنگی برای کمر بند، پیراهن مردانه... و گردو می آورند» (فریر، ۱۳۸۰: ۲۲۱-۲۲۰).



شکل ۱: نقشه جنکینسون از روسیه و تاتارستان (مشکور، ۱۳۹۲: ۱۶)

اهمیت استراخان در ربع سوم از قرن شانزدهم، آن هم در موقعیت تجاری ایران، دوگانه بود. اول آنکه، استراخان به عنوان یک نقطه توقفگاهی آن هم در مسیری بود، که از دریای سفید تا خزر امتداد داشت، و اروپا و آسیا را به هم متصل می ساخت؛ مسیری که دور از مداخلات ناوگانهای اسپانیایی و پرتغالی بود و مسیری جایگزین برای انتقال ادویجات، ابریشم و رنگ مورد استفاده قرار گرفت، که خارج از کنترل عثمانی یا ونیز بود، و خود یک بازار بالقوه برای صادرات پارچه انگلیسی محسوب می شد، پارچه ای که برای سالیان دراز مهمترین اقلام صادراتی این کشور محسوب می شد. پس از آنکه جنکینسون از سفر آسیای میانه بازگشت، کمپانی مسکوی ایران را نیز در حوزه عملیات بازرگانی خویش قرار داد. وی از طریق مسکو، ولگا خزر به دریند رسیده و وارد ایران گردید و همراه با سفیر ایران در دربار روسیه از ولگا به قصد حاجی-طرخان آمد و به شماخی مرکز شروان رفت، جنکینسون این موقعیت را برای عبدالله، خان شیروان چنین توضیح داد که « اگر شاه و شاهزادگان ایران از ضایعات بازرگانی ما در گیلان و هسترخان جلوگیری نمایند تردیدی ندارم که تجارت این منطقه رشد بسیاری خواهد یافت؛ آنگونه که در گذشته سابق نداشته؛ به نفع تجار نیز خواهد بود، چراکه از کالاهای ما استفاده خواهند کرد و ترکها نیز به سرزمین شان وارد نخواهند شد (سیوری، ۱۳۶۶: ۹۷، لاکهارت، ۱۳۸۷: ۲۲۲).

جنکینسون دریافته بود که هسترخان در تجارت با ایران اهمیت زیادی دارد، و این شهر در

جنوب روسیه، منافع عثمانی را در مناطق قفقاز به مخاطره می انداخت. در واقع بخشی از مأموریت جنکینسون برگرداندن تجارت شرق به مسیر شمالی، به سوی انگلستان و به طور کلی اروپا بود. بخش دیگری از مأموریت او این بود که از طریق مسکو - ولگا - گیلان، با نواحی مختلف ایران و بازرگانان ایرانی باب داد و ستد را بگشاید و در این رابطه تسهیلات و امتیازات لازم را از شاه طهماسب اول دریافت نماید (جنکینسون، ۱۸۸۶: ۱۱۷-۱۱۴). گرچه مأموریت جنکینسون نتایج خوبی در برداشت و بدون آنکه با ایران عهدنامه تجارتي برای روس یا انگلیس بسته باشد به مسکو مراجعت نمود ولی جنکینسون معتقد بود که برقراری روابط تجاری با ایران از طرف روسیه و مسیر گیلان - ولگا کاملاً نامناسب نیست و می تواند نتایج خوبی را در برداشته باشد (لاکهارت، ۱۳۹۲: ۳۱۰).

در سال ۹۷۶ هـ ق/ ۱۵۶۸ م یعنی شش سال پس از سفر جنکینسون به ایران، هیأتی به ریاست «آرتور ادواردز» برای مسافرتی جدید روانه ایران شدند. دوباره به سلامت به «شاماخا» رسیدند و عبدالله خان با خوشروئی از انگلیسی ها استقبال و پذیرایی کرد. ولی چند روز بعد این شاهزاده فوت کرد. با از دست دادن این دوست انگلیسی دوباره امکان یافتن راه حل رابطه بازرگانی ایران و انگلیس رو به سستی گرایید. ادواردز در قزوین نزد شاه رفت و دو ساعت با وی به گفتگو پرداخت و شاه را با اهداف شرکت، همراه یافت. دو باره همان پیشنهادات جنکینسون را به وی ارائه نمود و موافقت شاه ایران را جهت ورود امتعه خود به سایر نقاط کشور کسب کرد و تعهد کرد که کالاهای لازم را همانند ونیزیان وارد ایران نماید، و از راه مسکو پارچه های عریضی از هر نوع و رنگ، چون جامه های سرخ، بنفش و سایر پارچه های زیبای سراسر جهان را سریعتر از ونیزیان به ایران وارد نماید (لاکهارت، ۱۳۸۷: ۲۲۳). تمامی شرایط بر کاغذهای لاجوردی زرین نوشته و به وسیله منشی خاص شاه به مهر او مزین شد. ولی تجارت او چندان بازار خوبی نداشت. ادواردز پیشنهاد کرد یک بارانداز در دریای مازندران جهت تسهیل ورود امتعه به راه های ارتباطی بین قزوین، تبریز و ادبیل به وجود آید. آرتور ادواردز^۱ می گوید: «ابریشم گیلان خیلی بهتر و بالنسبه ارزان تر از ابریشم قفقاز است.» وی خود کارخانه ای در نزدیک رشت برقرار کرد. ادواردز در نامه ای که به کمپانی خود در لندن فرستاد کالاهایی را که در ایران بازار فروش داشت معلوم کرد از جمله: پارچه های پشمین کرسی^۲، ماهوت، فاستونی... را ذکر نمود. او

1. Arthur Edwards

۲. پارچه های کرسی Kersey نوعی پارچه درشت بافت راه راه بود که به آن صوفینه هم می گفتند (سلطانیان، ۱۳۸۸: ۷۱).

توصیه کرد از ایران نیز ابریشم خام، فلفل، گوگرد، زنجبیل، جوزهندی، زاج، مازو، برنج و... خریداری و از راه دریای خزر به اروپا صادر شود (شیبانی، ۱۳۵۳: ۱۳۷، یوسف جمالی، ۱۳۸۵: ۵۸۶-۵۸۵).

در این دوره بسیاری از این کالاها از هند توسط بازرگانان هندی و ایرانی وارد و از ایران دو باره به اروپا صادر می‌شدند (کرزن، ۱۳۶۷: ۶۳۷). فلسفی براساس یکی از اسناد سیاسی انگلستان، در باره دیدار ادوارذر با شاه طهماسب می‌گوید: «شاه پرسید، شما از چه راه می‌توانید همین کالاها را به ایران بیاورید؟ جواب داد از راه مسکو (روسیه) و مسیر گیلان - ولگا که راهی کم‌خطر و نزدیکتر از راه بازرگانان ونیزی، یعنی انگلستان، و نیز، عثمانی و ایران است (فلسفی، ۱۳۴۲: ۱۷۰-۱۶۹). اما ادوارذر به زودی دریافت که «شکستن سد تجاری بین ونیزیان و کل کمپانی ارمنیان» با منابع و ابزاری که او در اختیار اوست امکان‌پذیر نیست و هرگز هم امکان‌پذیر نشد (فریر، ۱۳۸۰: ۲۲۳).

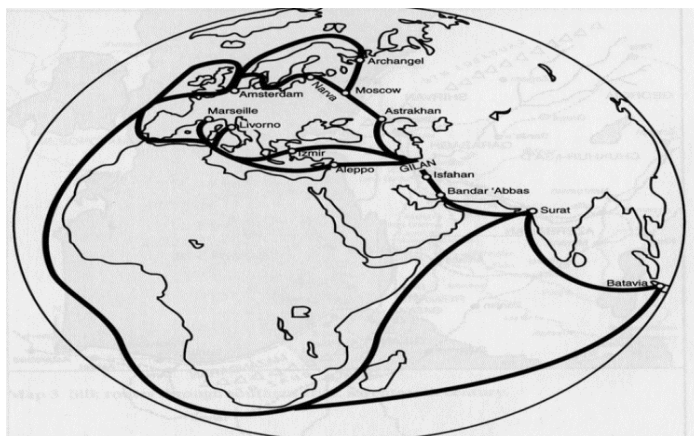
سه سال بعد دوباره ادوارذر با عده‌ای از همراهان خود به ایران آمد و این بار شخص مورد نظر او «لورنس چاپمن»^۱ یکی از اعضای هیأت تجاری انگلیسی بود. اما این بار دریافتند که وضع دگرگون شده و از سوی دیگر افراد هیأت در تبریز، بازارها را انباشته از اجناس رقیبا، یعنی؛ عثمانی، ارمنه و ونیزیان یافتند. در گیلان نیز بازرگانان عثمانی همه جا را قبضه کرده بودند و در قزوین هم بازار فروش مناسبی نیافتند (لاکهارت، ۱۳۹۰: ۳۱۰). چاپمن بعد از دیدار از قزوین، تصمیم گرفت که سری به گیلان زده تا وضعیت بازار و مهمتر از همه بنادر و راه‌های این منطقه را برای رسیدن به قزوین بررسی کند. چاپمن در سفرنامه‌ی خود می‌گوید که مسافرت او به گیلان تنها برای دیدن بنادر این منطقه جهت تخلیه و بارگیری کالاهای تجاری این کمپانی بوده است. او می‌گوید: «طبق دستور نماینده کمپانی مسکوی، من از قزوین به گیلان رفتم تا ببینم که چه بندری در آنجا برای کشتی‌های ما وجود دارد و بفهمم چه نوع کالایی و تا چه مقدار در آنجا خوب به فروش می‌رسد. برای رسیدن به آنجا، راه را دشوار و برای مسافرت خطرناک یافتیم. جز مردم فقیر که احتیاج شدید به خرید برنج برای ادامه زندگی داشتند چیز دیگری برای ما مفید واقع نشد» (رابینو، ۱۳۷۴: ۵۱۹).

چاپمن پس از رسیدن به گیلان، برای دیدن بنادر سنتی گیلان یعنی رودسر و لنگرود یک راست به سوی شرق گیلان رفت تا ببیند که بنادر لنگرود و رودسر که مهمترین بنادر تا این

زمان در گیلان محسوب می شدند، برای تخلیه و بارگیری کالاهای تجاری چه وضعیتی دارند. اما او از همه چیز مأیوس شد. حتی شهر لاهیجان را که ادواردز با خوشبینی از آن یاد کرده بود و هنوز مهمترین شهر گیلان محسوب می شد، به دلیل جنگی که با خان احمد درگرفته بود و حمله ی سربازان شاه طهماسب جهت سرکوب خان احمد، ویران و خرابه ای بیش ندید. او می نویسد که «شهر لاهیجان را که مهمترین محل همه این نواحی می باشد، دیدم و بنادر لنگرود و رودسر را که اخیراً توسط شاه و سپاه او تسخیر شد و تا این حد ویران گردیده است، مشاهده نمودم مردم آنچنان غارت شده اند که کسی قدرت خرید حتی یک کرسی را ندارد». مهمترین کالایی که می توان خریداری کرد، ابریشم خام است که در تابستان هر من لاهیجانی آن ۳۸ شاهی به فروش می رسد که کمی بیشتر از ۴۰ لیور است. گروهی از تجار انگلیسی به چاپمن نصیحت کردند که اجناس خود را به جای گیلان در حلب به فروش برساند، در سال ورود چاپمن به گیلان و بعد تغییر مرکز از فومن به رشت محور دره ی سفیدرود- رشت- انزلی هنوز هیچ آمادگی برای ارائه ی خدمات برای حمل کالا و مسافر نداشت. بازدید چاپمن از شرق گیلان نیز این واقعیت را نشان داد. زیرا از گذشته بنادر رودسر و لنگرود در تخلیه و بارگیری کالاهای هر چند اندک محلی نقشی به عهده داشتند که در آن سوی آبهای خزر یعنی در قفقاز و احتمالاً استراخان شناخته شده بود. با این حال چنان که نوشته ی چاپمن نماینده ی تجاری کمپانی مسکوی نشان می دهد، ارزیابی او از گیلان به عنوان یک گزینه جهت مسیر کاروانهای تجاری در سال ۹۷۵هـ.ق/۱۵۶۷م، نه فقط ارزیابی مثبتی نبود بلکه به کلی مأیوس کننده نیز محسوب می شد. پیداست اگر زمینه‌های لازم برای این راه جابه جایی مسافر و کالا به پایتخت صفویه از طریق گیلان در همین زمان فراهم شده بود، گیلان می توانست از جنبه اقتصادی سود بسیار نصیب خود نماید. هرچند چاپمن بعد از بازدید از شرق گیلان اشاره می کند که «در این ناحیه عده زیادی از بازرگانان ترک اقامت دارند.» (رابینو، ۱۳۷۴: ۵۱۹).

به نظر می رسد که با توجه به روابط خصمانه با عثمانی، این ترکان بیشتر از تاجران قزلباش بودند که از حضور سیاسی- نظامی قزلباشان در گیلان استفاده کرده و تجارت گیلان به ویژه ابریشم را قبضه کرده بودند. این تاجران برخلاف دولت صفوی چندان برای گشودن راه ترانزیتی گیلان به روی تاجران انگلیسی و اروپایی از طریق بنادر خزر راضی نبوده باشند (عظیمی دبوخشری، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۳).

به رغم این مشکلات راه بازرگانی روسیه به ویژه از طریق رود ولگا به هشترخان گیلان (دریای خزر) مسیری بود، که اروپا و آسیا را به هم متصل می ساخت، و این راه برای دولت ایران که میل داشت از تسلط عثمانی بر راه‌های تجاری عمده آزاد شود، اهمیت خاص داشت (نوائی، ۱۳۸۴: ۴۳۰). از طرفی دولت روسیه به گیلان، که در این زمان دروازه اروپا بود، توجه خاصی نشان داد و می خواست این مدخل آبی را که مستقیم و بهترین راه نفوذ به داخل ایران و طریق وصول به آب‌های گرم محسوب می شد در اختیار داشته باشد (نوزاد، ۱۳۷۹: ۶۵). رابینو می گوید: « جای تعجب نیست که مدت مدیدی است گیلان مطمح نظر روس‌ها می‌باشد. آنچه روس‌ها را به طمع انداخته است، قرار گرفتن گیلان در مجاورت روسیه، ثروت و امکان بهبود وضع و موقعیت دفاعی آسان آن است که از یک طرف به کوه و از طرف دیگر به دریا و مرداب محدود می گردد و همه آن سرزمین از جنگل پوشیده شده است» (رابینو، ۱۳۵۷: ۱۳).



شکل ۲: مسیر تجارت کمپانی مسکوی بین ایران و اروپا قرن هفدهم (ردولف، متی، ۱۹۹۹)

ترکان در میانه سده دهم هجری/ شانزدهم میلادی کاملاً بر راه‌های غربی ابریشم ایران مسلط بودند؛ و در مقابل گشایش راه شمالی پس از سلطه روس‌ها بر هشترخان در سال ۱۵۵۴م/ ۹۶۱هـ.ق عکس العمل نشان داده و برضد آن اقداماتی انجام دادند. مرگ شاه طهماسب، فرصتی به ترکان داد تا از موقعیت استفاده کرده و آذربایجان، گرجستان، شروان و بخشهایی از گیلان را ضمیمه کشور خود سازند. ترکان بر بنادر عمده خزر و مناطق عمده تولید ابریشم مسلط شدند (فریر، ۱۳۸۰: ۲۲۷-۲۲۸). اسناد و مدارک دوره صفویه نشان می‌دهد به رغم

کوشش بسیار اروپاییان در برقراری مناسبات بازرگانی با ایران، این امر در دوران شاه اسمعیل و شاه طهماسب و اسمعیل دوم و محمد خدابنده تا به قدرت رسیدن شاه عباس اول تحقق نیافت. شاه عباس اول در دوران سلطنت خود ایران را وارد مرحله نوینی از حیات سیاسی و اقتصادی نمود. در واقع در همین زمان بود که ایران مناسبات وسیعی را با کشورهای اروپایی به ویژه در زمینه تجارت برقرار کرد. (اشراقی، ۱۳۷۶: ۱۳۰)

۲. روابط سیاسی - تجاری گیلان با روسیه در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶هـ.ق / ۱۶۲۹-۱۵۸۸م)

در روابط خارجی ایران و روسیه، گیلان دارای جایگاه ممتازی است. موقعیت جغرافیایی گیلان قرار گرفتن در کنار دریای خزر و همسایگی با روسیه دلالت بر اهمیت گیلان در روابط خارجی با روسیه، بخصوص در زمینه سیاسی و تجاری دارد (عظیمی دویخشوری، ۱۳۸۸: ۴۴). کشمکش‌های مداوم حکام گیلانی با یکدیگر بر سر فقدان مرکزیت سیاسی در این منطقه و اقتصاد غالب معیشتی گیلان از یک طرف، عقب ماندگی و نبود دولت متمرکز و قدرتمند در سرزمین‌های همجوار شمال دریای خزر و از سوی دیگر امکان دستیابی به ارتباطات منظم خارجی را برای منطقه گیلان در اوایل حکومت صفوی ناممکن می ساخت. پس از تصرف گیلان (بیه پیش) توسط شاه عباس اول در سال ۱۰۰۰ هجری گیلان به طور کامل به حکومت مرکزی ضمیمه، و به املاک «خاصه» اضافه گردید. هدف اصلی شاه عباس از تصرف گیلان دستیابی به محصول ابریشم آن و همجواری این منطقه با روسیه بود (فلسفی، ۱۳۴۵: ۱۴۳ - ۱۴۲).

تا اوایل قرن یازدهم هجری کوشش‌های متعدد اروپائیان برای ایجاد ارتباط با ایران به جایی نرسیده بود. شرایط ویژه منطقه ای و نظام نوین جهانی، شاه عباس را واداشت تا برای نخستین بار روابط سیاسی و اقتصادی ایران را با دولت‌های اروپایی برقرار سازد. شاه عباس از گسترش رابطه ایران با اروپا دو هدف داشت: نخست این که با پادشاهان اروپا بر ضد دولت عثمانی که بخش‌هایی از غرب کشور را به اشغال خود گرفته بود متحد شود و دوم آنکه با آنان برای فروش ابریشم ایران که در انحصار وی بود، قراردادهایی منعقد سازد (نعمانی، ۱۳۵۸: ۳۶۱). اما از نظر ترانزیتی موانعی بر سر راه این روابط وجود داشت. قلمرو امپراتوری عثمانی که خاورمیانه را در بر می گرفت، مسیر مطمئنی نبود. بنابراین دو راه ارتباطی وجود داشت. یکی راه آبی که از

خلیج فارس آغاز می شد و از طریق دماغه امیدنیک (جنوب قاره آفریقا) به اروپا می رسید و دیگری راهی بود که از طریق دریای خزر و قفقاز از راه روسیه به اروپا ختم می شد (نچکینا، ۱۳۶۱: ۲۸۱، عبدالله یف، ۱۹۷۱: ۲۷). با این حال تجارت از طریق روسیه مشکلاتی در برداشت به ویژه این که این کشور هنوز یک کشور فئودالی بود. در گیلان نیز هنوز بندر تجاری مهمی بوجود نیامده بود. در این زمان بندر کوچکی در شرق گیلان به نام لنگرود وجود داشت که بیشتر رفت و آمد به ایران از آن طریق صورت می گرفت (رابینو، ۱۳۶۶: ۵۱۹، نوایی، ۱۳۶۶: ۳۰۷).

۳. نقش سفارتخانه‌های سیاسی در مناسبات تجاری گیلان و روسیه

در دوره شاه عباس اول چندین سفارتخانه با اهداف سیاسی تجاری میان ایران و روسیه از طریق گیلان برپا شد. روند مناسبات دو کشور در این دوره به گونه ای بیانگر دیپلماسی فعال آن‌ها در جهت پیشبرد اهداف تجاری بود و دولت ایران با توجه به موقعیت شمال ایران و تولید ابریشم در این مناطق در زمینه روابط تجاری با روسیه بیشترین بهره برداری را کرد.

پس از مرگ ایوان مخوف در سال ۹۹۲ هـ. ق/ ۱۵۸۴ م سلطنت به پسرش فئودور اول رسید که با جانشین شاه طهماسب، شاه خدابنده، هم عهد بود. در این زمان عثمانی‌ها بنای دست اندازی به آذربایجان را گذاشته بودند. لذا شاه محمدخدا بنده سفیری بنام‌هادی بیک به دربار فئودور فرستاد بخیال اینکه روس‌ها را برضد عثمانیان برانگیزد. سفیر ایران در ازای دوستی متداوم با روسیه حاضر به واگذاری شهرهای باکو و دربند شد. پاسخ این درخواست به وسیله نماینده روسیه «شاهزاده گروگی واسیلچیکوف» به شاه عباس اول جانشین خدابنده که جلوس او در سال (۹۹۶ هـ ق / ۱۵۸۸ م) مقارن بود با چهارمین سال امپراتوری فئودور تحویل داده شد. وظیفه چیکوف این بود که مذاکرات آغاز شده در مسکو را دنبال کند و اخبار لازم در باره موقعیت داخلی گیلان و سیاست خارجی ایران را جمع آوری و به مسکو گزارش نماید. هنگامی که سفیر روسیه از راه لنگرود، مازندران، دامغان و سمنان با زحمت زیاد خود را به قزوین رساند، شاه عباس بر تخت سلطنت نشسته بود. نامه امپراتور روسیه در قزوین به اطلاع شاه عباس رسید و وی از تحکیم دوستی بین دو کشور و تسلیم دربند و باکو به دولت مسکو، اظهار خرسندی کرد (نوایی، ۱۳۷۷: ۲۰۵-۲۰۳). نکته قابل توجه در روابط دو کشور شیوه برخورد دولت روسیه با دولت مرکزی ایران است. روس‌ها همزمان با فرستادن سفیر، به دربار شاهان

صفوی که دولت مرکزی و ملی ایران محسوب می گردید، سفرایی نیز به نواحی مختلف و حکومت‌های محلی در قفقاز و نواحی داخلی ایران از جمله: نزد خان احمد، حکمران گیلان، اعزام می کردند و حکمرانان محلی را هم ردیف شاهان صفوی به شمار می آوردند. هنگامی که واسیلچیکوف از طرف فتودور، به دربار صفویان اعزام شد، از طرف تزار برای احمدخان که ادعای استقلال داشت حامل نامه ای بود. با ورود اعضای سفارت روس به گیلان، مأموران خان احمد، بنای کج رفتاری و بد منشی را با هئیت مذکور گذاشتند.

واسیلچیکوف در ۱۲ رجب ۹۹۷ هـ. ق/ ۱۵۸۹ م اجازه مراجعت یافت و بوداق بیک و هادی بیک به عنوان سفیران اعزامی ایران به دربار روسیه تعیین گردیدند، و از راه گیلان عازم روسیه شدند. در گیلان خان احمدگیلانی نیز وزیر خویش، خواجه حسام الدین لنگرودی را به عنوان سفیر به همراه هئیت مذکور به روسیه اعزام داشت. تزار روسیه در نامه خود، حاکم استقلال طلب گیلان را به محبت‌ها و الطاف خویش امیدوار کرده و اظهار داشته بود که دستور داده است تا ابواب تجارت بین روسیه و گیلان را مفتوح نگه دارند و احمدخان را زیر سایه خویش حمایت کنند. حمله قریب الوقوع شاه عباس به گیلان باعث شد خان احمدخان در سال ۱۵۹۱ م/ ۹۹۹ هـ. ق سفیری به نام «توره کامل» را با پسر و برادر و یازده تن اتباع روانه روسیه کند. سفیر مزبور ابتدا وارد حاجی طرخان شد و بعد به مسکو رفت و نزد قیصر، حضور یافت و هدایا و نامه خان احمد را تقدیم کرد و شفاهاً اظهار داشت که: «شاه گیلان می خواهد تحت حمایت روسیه باشد و متمنی است، همانطور که برای کمک به شاه بخارا از تاتارها، قوای لازم را روانه می کنید به گیلان نیز بفرستید.» (فلسفی، ۱۳۶۹: ۱۸۳۷-۱۸۳۶، نوایی، ۱۳۷۷: ۲۰۷ و فاخته، ۱۳۸۶: ۶۵).

متأسفانه درباره «توره کامل» اطلاعات اندکی وجود دارد، اما با توجه به گزارش «کاتف» سیاح و بازرگان روسی در عصر شاه عباس، می‌توان به این نتیجه رسید که برخی از تجار روس در عصر آل کیا به مبادلات بازرگانی بین روسیه و گیلان می‌پرداختند و از این طریق با زبان فارسی نیز آشنا شدند (کاتف، سفرنامه: مقدمه) به احتمال زیاد «توره کامل» یکی از این تاجران است که در دربار آل کیا اقامت داشت.

تزار روسیه برای گسترش نفوذ خود در نواحی جنوبی دریای مازندران و ارتباطات تجاری خواهش‌های سفیر گیلان را پذیرفت و وی را با نامه و هدایا، همراه هیأت روسی به گیلان فرستاد، اما پیش از اینکه هیأت روسی وارد گیلان شود در حاجی طرخان مطلع گردیدند که

شاه عباس، گیلان را فتح کرده و «کارکیا» به جهت هجوم شاه عباس، از گیلان به عثمانی گریخته بود (فلسفی، ۱۳۷۵: ۱۰۳۳-۱۰۳۲، نوائی، ۱۳۷۲: ۱۹۵ و پرتو، ۱۳۷۹: ۴۰۵).

اقدام خان احمد در برقراری روابط سیاسی با دولت روسیه و تلاش برای جلب حمایت و کمک نظامی آن دولت یکی از علل مهم بدبینی و کینه ی شاه عباس نسبت به وی بود. خان احمدخان پس از فرار از رودسر به همراه نزدیکان خود در شماخی به سربرد، وی که هنوز رویای بازگشت به گیلان را در سر داشت، در ماه شعبان سال ۱۰۰۰ هـ. ق سفیری به نام «نعمت» به دربار تزار روسیه فرستاد و از وی درخواست کرد تا اجازه ورود کشتی های بازرگانی او را که حامل بار ابریشم بود را به آب های روسیه صادر نماید. در صورت کمک تزار، کمک های او را فراموش نخواهد کرد و روابط خوبی در آینده نزدیک با او برقرار خواهد ساخت (فلسفی، ۱۳۷۵: ۱۰۳۹).

دولت روسیه تا آخرین زمان زمامداری خان احمد دوم سعی کرد رابطه خود را با او حفظ کند. این موضوع نشان می دهد دولت روسیه، علاوه بر توسعه تجاری، قصد مداخله غیرمستقیم در گیلان را داشته است اما با اقتدار شاه عباس، سیاست آنها عملی نشد. در نتیجه روس ها موقعیت را برای سلطه بر گیلان، مناسب ندیدند بدین علت، از حمایت خان احمد دست برداشتند و منتظر فرصت دیگری ماندند (نوائی، ۱۳۶۹: ۳۵۰).

روابط کارکیا با روسیه، نخستین روابط سیاسی یکی از حکومت های محلی ایران با این حکومت محسوب می شد. حکومت روسیه در زمان شاه عباس مایل بود که تمام ابریشم گیلان و سواحل دریای خزر از طریق این دریا به آن کشور فرستاده شود تا مشتریان انگلیسی و هلندی و ونیزی و دیگر کشورهای اروپا، ناگزیر، آن را از بازرگان روسی خریداری کنند. در این دوره بیشتر، انواع واقسام منسوجات ابریشمی نظیر اطلس و مخمل های قزلباشی، دارایی داروغه ای، ابریشم خام از گیلان به روسیه صادر می گردید. بنابراین تجار روسی، دایم به شهرهای شمالی آمد و شد می کردند و عده کثیری از آنان مقیم این شهرها شده بودند و به کار خرید و فروش ابریشم و منسوجات ابریشمی مشغول بودند. زیرا که ابریشم و دیگر کالاهای ایرانی از طریق روسیه به لهستان، آلمان و انگلستان صادر می شد. از روسیه به ایران از طریق ولگا، بحر خزر و گیلان انواع خز، چرم خام، چیت، ماهوت، پارچه کتانی، آهن، مس، مصنوعات فلزی و... وارد می شد. مؤرخان وجود تجار مسکوی و قازانی و فرنگی را در بنادر گیلان در حدود ۱۰۳۹ هـ / ۱۶۲۹ م گزارش داده اند. صدور ابریشم تا اندازه زیادی در این منطقه سر و سامان گرفته بود

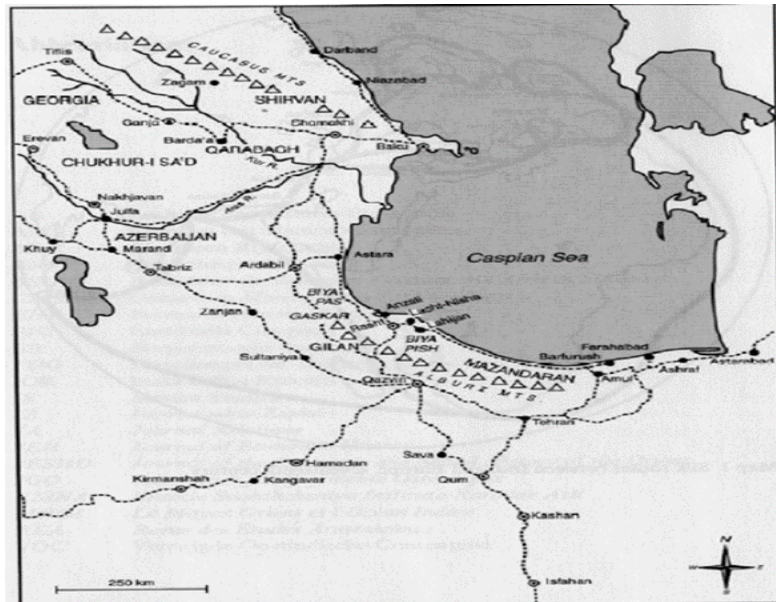
(پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴: ۵۴۳-۵۴۲). شاه عباس که نظر به ابریشم و راه‌های تجاری و بنادر گیلان داشت از روابط حکومت‌های محلی با روسیه ناخرسند و دلخور بود. نگرانی شاه عباس از نزدیکی خان احمد با روسیه بیشتر در موضوع تجارت ابریشم بود. با توجه به این که ابریشم در عهد صفوی کالایی بسیار مهم و حیاتی برای اقتصاد ایران به شمار می‌رفت و جدا از ارزش اقتصادی آن برای کشور، برگ برنده‌ای بود که دولت صفوی آن را جهت جلب همکاری اروپاییان و همسایگان در راستای برنامه‌های خود نیز بکار می‌گرفت. میخائل رومانوف، تزار روسی، سفیری در سال ۱۰۳۷ هـ. ق/ ۱۶۱۸ م به ایران فرستاد، از شاه عباس خواست که برای فرستادن محصول ابریشم ولایات شمالی در کنار دریای خزر، قرارداد خاصی با دولت روسیه منعقد کند و شاه عباس نیز به درخواست او پنجاه عدل ابریشم، همراه سفیرش به روسیه فرستاد (ترکمان، ۱۳۸۶: ۴۵۰، افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۵۰: ۴۸۰-۴۶۵، قاضی احمدقمی، ۱۳۶۷: ۳۹ و فلسفی، ۱۳۷۵: ۱۳۳).

کاتف سیاح و بازرگان روسی در سال ۱۰۳۳ هـ. ق/ ۱۶۲۴ م برای ترغیب دربار صفوی جهت تجارت ابریشم از مسیر تجاری دریای خزر به ایران آمد اما از آنجا که شاه عباس به دنبال طرح تجاری خود در خلیج فارس بود این پیشنهاد را رد کرد (متی رودی، ۱۹۹۴: ۷۴۸).

شرایط جدید سیاسی برای گیلان، تصرف اطراف رودخانه ولگا تا ساحل دریای خزر مأموران تجاری کمپانی مسکوی، نخستین بار روابط تجاری نیمه‌ی شمالی ایران و آسیای میانه و سواحل دریای خزر را با دول غربی از طریق روسیه گشودند. این اولین سفرهای تجاری اروپائیان از طریق خاک روسیه به ایران بود. عمده‌ی این سفرها نهایتاً به قزوین پایتخت جدید دولت صفوی ختم می‌شد لیکن این سفرها از نزدیکترین مسیر به قزوین یعنی از مسیر انزلی - رشت - دره‌ی سفیدرود به قزوین محروم بود. زیرا به رغم موقعیت مناسب آن از نظر دسترسی به پایتخت و به طور کلی فلات مرکزی ایران از مبداء روسیه و بندر آستراخان، در این زمان نه زمینه‌های امنیت راه‌های کاروان رو از این مسیر فراهم بود و نه ساختارهای زیربنایی ساخته شده امکان سفر تجاری را فراهم می‌کرد و نه ساختارهای اداری گیلان هنوز آمادگی لازم برای این راه تجاری داشت. از این رو این سفرها پس از طی مسیر از مسکو از طریق رود ولگا تا آستراخان و دربند و باکو، سپس از طریق اردبیل یا تبریز به قزوین هدایت می‌شد. در نتیجه نمایندگان کمپانی مسکوی که به خوبی از شرایط جغرافیایی و موقعیت بی‌بدیل گیلان در سفرهای تجاری به قزوین پایتخت صفویه آگاه شده بودند، تصمیم گرفتند وضعیت گیلان را

نقش ابریشم در روابط تجاری - سیاسی گیلان و روسیه...

برای این گونه سفرها مورد بررسی دقیق تر قرار دهند (رایینو، ۱۳۷۴: ۵۱۹). توجه روس‌ها به این محور به مرکزیت رشت، دولت مردان صفویه را برآن داشت که برای مقابله با نفوذ و سلطه خارجی، حضور فعال تری در گیلان و از جمله رشت داشته باشند. در نتیجه، توجه دوجانبه نیروهای خارجی مانند روسیه و انگلستان و حکومت‌های مرکزی ایران، به طور نسبی موجب تقویت و گسترش این شهر شد. تجارت اروپا با ایران از طریق دریای خزر و قفقاز باعث شد رشت به دروازه اروپا یا کانون تجاری ایران تبدیل شود. انباشت سرمایه در گیلان به مرکزیت و محور رشت - انزلی با توجه رقابت شرکت‌های روس، انگلیسی، فرانسوی، و تجار داخلی که سبب تحولات اساسی در ساختار شهر رشت شد و از سوی دولت صفوی به عنوان مرکز ایالت گیلان برگزیده شد (سفردوست، ۱۳۸۴: ۶۶). بندر انزلی نیز از لحاظ اقتصادی اهمیت زیادی یافت و محلی برای حمل و نقل کالاها به خصوص ابریشم شد. یکی دیگر از علل اساسی علاقه شاه عباس به تجارت از مسیر شمالی این بود که با توجه به اینکه تقریباً کل محصول ابریشم ایران از ولایات شمالی کشور به دست می آمد. بنابراین وی می خواست بدین وسیله از صرف وقت بیشتر و مخصوصاً از هزینه حمل ابریشم تا اصفهان و یا جنوب کشور جلوگیری کند (پارسا دوست، ۱۳۴-۱۳۲).



شکل ۳: مسیر تجارت ابریشم در شمال ایران (متی رودی، ۱۹۹۹: ۷۴۸)

۴. روابط سیاسی - تجاری گیلان با روسیه پس از شاه عباس اول

روابط سیاسی و تجاری ایران با دولت روسیه بعد از مرگ شاه عباس اول از طریق دریای خزر همچنان ادامه داشت. برای بازرگانان اروپایی به ویژه بازرگانان کشورهای بالتیک و اسکاندیناوی مسیر تجارت همان مسیر تجار روسیه در طول رود ولگا از طریق دریای خزر و با عبور از داغستان، شروان و گیلان به سوی شمال ایران بود. این راه کوتاهتر و از نظر هزینه بسیار ارزانتر تمام می شد. فعالیت تجاری و دیپلماتیک چند کشور اروپایی (هلند، فرانسه، سوئد، لهستان، دانمارک و شاهزاده نشین هولشتاین) با روسیه در قرن یازدهم هجری/ هفدهم میلادی بیانگر این است که آن‌ها به تکرار کوشیده اند این جاده را برای بازرگانی با اروپای غربی - شمالی قابل استفاده سازند تا عبور از سرزمین تزارها را بدون پرداخت عوارض گمرکی برای بازرگانان خود تأمین کنند. بازرگانان روسی دائماً ابریشم و انبوه پارچه‌های ابریشمی مانند اطلس، حریر، مخمل و همچنین انواع قالی را از طریق هشترخان گیلان به روسیه صادر می کردند (لوفت ۱۳۸۰: ۶۵-۷۰).

برقراری ارتباط نواحی شمال دریای خزر با گیلان که ابتدا اهداف تجاری داشت، به تدریج زمینه ساز دستبردها و راهزنی‌ها گردید. در زمان جانشینان شاه عباس اول، روابط ایران و روس دستخوش حوادثی گردید. به هنگام پادشاهی شاه صفی در سال ۱۰۴۵ هـ. ق/ ۱۶۲۹ م، قزاق‌های دن به رهبری «استنکوراین» افسریاگی روسی با چند کشتی خود را به ساحل گیلان رساندند و شهرها و آبادی‌ها و انبارهای بازرگانی نواحی ساحلی گیلان و نیز رشت را غارت و چپاول کردند. اما هر بار اهالی گیلان به نبرد برخاستند و آنان را وادار به عقب نشینی کردند. (نویی، ۱۳۷۷: ۱۶۹).

در دوره شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ هـ. ق/ ۱۶۶۷-۱۶۴۲ م) روابط دو کشور دچار چالش گردید که به تیرگی روابط در ابتدای سلطنت شاه عباس دوم انجامید. در دوران پادشاهی شاه عباس دوم نخستین هیأت سفارت روسیه در سال ۱۰۵۳ هـ. ق/ ۱۶۴۳ م جهت تبریک جلوس شاه صفوی به ایران آمد. شاه عباس نیز متقابلاً آقا حسن جگرودی را همراه وی به روسیه گسیل داشت. از آن پس تا مدتی نزدیک به ده سال از تبادل سفرا بین دو کشور اثری نمی‌یابیم. (نویی، ۱۳۷۷: ۲۲۴) شاید عدم ارتباط سیاسی و تجاری، به خاطر حملات قزاق‌ها به سواحل دریای خزر باشد زیرا: «در سال ۱۰۵۵ هـ. ق/ ۱۶۴۵-۱۶۴۶ م قزاق‌های دره رود «دون»

به انگیزش « الکسی میخائیلوویچ » تزار روس به شهرهای بندری گیلان و مازندران تاختند و انبارهای ابریشم را تاراج کردند» (فاخته، ۱۳۸۳: ۱۷۰-۱۶۹).

دلواله در مورد روابط قزاق‌ها و دولت روسیه با ایرانیان می‌گوید: «در سرزمین روسیه گروه‌های مختلفی از این قزاق‌ها زندگی می‌کنند که مهمترین پایگاه آنان غرب دریای خزر در جنوب ولگا است. روابط چندان مطلوبی با ایرانیان ندارند، چون گاه در روی دریای خزر و رودولگا به کشتی‌های ایرانی حمله می‌برند و اجناس و کالاهای آن‌ها را که معمولاً بار ابریشم تشکیل می‌دهد غارت می‌کنند، ضمن آن که دولت روسیه روابط حسنه‌ای با ایران دارد و غالباً سفرایی به دربارهای یکدیگر می‌فرستند» (دلواله، ۱۳۸۰: ۶۲۰-۶۲۱).

روابط دوستانه بین دو کشور تا سال ۱۰۷۶هـ ق / ۱۶۴۵م که میشل رومانوف (میشل سوم) درگذشت، ادامه یافت. در این زمان طهمورث‌خان، امیر سابق گرجستان، علیه رستم‌خان، حاکم ایرانی آن ایالت، یاغی شد و در برابر نیروی ایران شکست خورد و به روسیه پناه برد. آلکسی، تزار جدید روسیه (۱۶۴۵-۱۶۷۶م) سپاهی به داغستان فرستاد و قسمتی از آن ایالت را تصرف کرد. به دستور این تزار، قلعه و استحکامات نظامی در ساحل رودخانه «قوین‌لو» واقع در داغستان بنا گردید. شاه‌عباس که نسبت به اقدامات تجاوزکارانه روس‌ها و ساختن قلعه نظامی در داغستان بدگمان بود، به خسروخان، بیگلربیگی شروان، دستور داد به این قلعه حمله و آن را ویران کند. او هم دستور شاه را اجرا کرد و کلیه استحکامات روس‌ها را با خاک یکسان کرد (قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۵۹). تزار روسیه سفیری به نام روسکوفسکی به ایران فرستاد تا نسبت به این اقدام اعتراض کند. شاه‌عباس دوم سفیر را پذیرفت و استدلال کرد که چون این قلعه در خاک ایران بنا شده؛ بنابراین ایران در تخریب آن محق بوده است و به فاصله کوتاهی او را روانه کشورش کرد. این اقدام شاه‌عباس دوم خشم تزارالکسی را در پی داشت و سبب شد به اشاره او، قزاق‌های دره دون مجدداً در مرزهای ایران به دستبردها و شیخون‌هایی دست زدند که باعث اسباب زحمت و خسارت ساکنین گیلان را در برداشت که واکنش خشمگینانه دربار صفوی را داشت و به مناسبات تجاری میان ایران و روسیه لطمه وارد کرد. هجوم قزاقان حوزه رود دن از دریای خزر به گیلان، یکی از دلایل توجه امپراتوری روسیه به گیلان بود و موجب شد تا این امپراتوری نوپای توسعه طلب، به اندیشه الحاق گیلان به قلمرو خود باشد. حملات گروه‌های قزاق باعث وقفه‌هایی در تولیدات و صدور ابریشم از طریق گیلان شد. همه این قضایا در نابسامانی‌های ایران صفوی تأثیر زیادی داشت (بریان شانی‌نوف، ۱۳۵۷: ۱۰۲). از طرفی، حکام

ایرانی و فرماندهان گیلان نیز به عنوان مقابله به مثل به کرات بازرگانان روسی را دستگیر و کالاهایشان را مصادره می کردند. البته این اقدامات باعث توقف روابط تجاری بین دو دولت نگردید. بازرگانان روسی، دائماً در گیلان بسر می بردند ابریشم و انواع پارچه‌های پنبه ای و ابریشمی مانند حریر، مخمل و زری را از طریق استراخان به روسیه می بردند. بازرگانان ایرانی در محل‌های تجدید بازرگانی مهمی نیز چون مسکو و استراخان برای خود کاروانسراهایی داشتند و بازرگانی به آنان اختصاص داشت. در طرف روس‌ها، مهمترین نقش تجارت با کالای انحصاری دولت بود: مس، قلع و منسوجات پشمی اروپا و برجسته ترین قلم از اجناس شاه ایران ابریشم خام بود. کالاهای فرستادگان و بازرگانان دولتی از پرداخت عوارض گمرگی معاف بود (لوفت، ۱۳۸۰: ۶۸-۷۰).

در سال ۱۰۷۵ق/ ۱۶۶۴م هیأت سفیرانی از روسیه به ایران آمدند و به حضور شاه‌عباس دوم راه یافتند. شاه‌عباس دوم ابتدا با هیأت مهربانی فراوان کرد، ولی پس از چندی معلوم شد این عده بازرگانانی هستند که فقط به منظور جلب منفعت به ایران آمده و در مدت اقامتشان در اصفهان، از معافیت گمرکی، استفاده کرده اند. شاه‌عباس دوم، پس از اطلاع از این مطلب، بنای بی‌اعتنایی را به هیأت روسی گذاشت. تزار روسیه از این بدرفتاری نسبت به سفیرانش خشمگین شد. او در انتظار فرصتی برای تلافی و انتقام گرفتن بود، اما تا وقتی شاه‌عباس دوم زنده بود جرأت نکرد اقدامی انجام دهد. به محض درگذشت شاه‌عباس دوم و جلوس شاه‌سلیمان در سال ۱۰۷۸ق/ ۱۶۶۷م، آلکسی درصدد برآمد نیات تجاوزکارانه‌اش را اجرا کند، از همین رو مجدداً قزاق‌های نیمه وحشی ساحل دریای سیاه را تحریک کرد که به سواحل دریای مازندران حمله کنند. شش هزار قزاق در چهل کشتی که هر کدام مسلح به توپ بود به سواحل گیلان حمله بردند و دست به قتل و غارت گشودند و سپس به تندی از ساحل دور شدند. حملات مکرر قزاق‌ها باعث وقفه در تولیدات و صدور ابریشم از طریق گیلان می شد و این قضایا برای دولت صفوی نابسامانی و بحران سیاسی و اقتصادی به همراه داشت. به جرأت می توان گفت: بحران فروش ابریشم، در نابسامانی اقتصادی و در نهایت سقوط دولت صفوی تأثیر بسیاری داشت.

نتیجه‌گیری

عصر صفویه سرآغاز برقراری روابط خارجی ایران با اروپاییان و همسایگان خود است. نخستین روزنه روابط ایران و روسیه در دوره صفوی از طریق کمپانی مسکوی صورت گرفت. آنتونی جکینسون نماینده کمپانی مسکوی به منظور دست یابی بر ابریشم گیلان ایران را در حوزه بازرگانی خویش قرارداد و با خرید ابریشم از ایالات شمالی با بازرگانان پرتغالی که این تجارت را در انحصار خود داشتند سعی کرد رقابت کند. تصرف بندر مهم آستراخان و هم زمان انتخاب شهر قزوین در جنوب گیلان به پایتختی صفویان سبب شد که گیلان به عنوان محل ارتباطی بین این دو منطقه از اهمیت زیادی برخوردار گردد زیرا کوتاه‌ترین مسیری که می‌توانست بندر آستراخان را به عنوان پل ارتباطی روسیه با سواحل جنوبی دریای خزر وصل کند گیلان بود. ضرورت این ارتباط را شاه عباس بخوبی درک کرد و به فکر یافتن بازارهایی در روسیه برای فروش ابریشم ایران انداخت. در روابط تجاری و سیاسی صفویان با روسیه گشایش راه شمالی پس از تسلط روسیه بر هشتراخان اهمیت زیادی یافت. روس‌ها با تصرف شهر آستراخان خود را به ایران نزدیک کردند. کشتی‌های بار ابریشم گیلان، به وسیله بازرگانان به بازار آستراخان حمل و از آنجا به بازارهای اروپایی راه می‌یافت.

روابط ایران و روسیه از دوران شاه تهماسب اول شروع شد ولی در زمان شاه عباس اول صورت رسمی تری یافت و دو کشور، سفیر دائمی تعیین کردند. روابط ایران و روسیه با محوریت گیلان تا پایان حکومت شاه عباس معنای تجارت داشت و روسیه به مرحله توسعه نفوذ سیاسی در ایران نرسید. موقعیت سیاسی و اقتصادی گیلان برای دولت روسیه در عصر صفوی اهمیت داشت، زیرا برقراری ارتباط با گیلان عمده‌تأ با دو هدف اصلی همراه بود: نخست هدف اقتصادی (دستیابی به ابریشم گیلان) دوم عملیات نظامی - سیاسی که با هدف تصرف گیلان و نیز تصرف سرزمین‌های مأورای آن به خصوص ایران و در نهایت دستیابی به خلیج فارس برای دولت روسیه اهمیت داشت. چشم دوختن دولت روسیه به ولایت گیلان باعث شده بود که آن‌ها، به ترفندهای مختلف دست بزنند تا به مقاصدشان برسند. هجوم مکرر قزاق‌ها در زمان شاه عباس دوم به سواحل دریای خزر که اغلب به تحریک تزار روس انجام می‌گرفت و به تاراج اموال مردم گیلان به خصوص انبارهای ابریشم می‌انجامید و در پی آن زد و خورد و کشتار مردم نیز بود. حملات مکرر قزاق‌ها باعث وقفه در تولیدات و صدور ابریشم از طریق گیلان می‌شد و این قضایا برای دولت صفوی نابسامانی و بحران سیاسی و اقتصادی به همراه

داشت. این بحران‌های اقتصادی - سیاسی زمینه نفوذ روس‌ها به گیلان را فراهم آورد. تصرف گیلان با هدف رخنه به داخل فلات ایران و دستیابی بر آبهای گرم خلیج فارس و دریای عمان و در نهایت راه یافتن برآب‌های آزاد بود، صورت پذیرفت، که با ایستادگی مردم گیلان به شکست انجامید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- افوشته‌ای نطنزی، محمودبن هدایت‌الله (۱۳۵۰). *نقاوه‌الآثار فی ذکرالایخار در تاریخ صفویه*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بطوطه، محمدبن‌ابراهیم (۱۳۸۴ق). *رحله*، بیروت: دارصادر.
- اولئاریوس، آدام (۱۳۶۲). *سفرنامه*، ترجمه احمد بهپور، تهران: انتشارات ابتکار.
- اشراقی، احسان (۱۳۷۶). «اهمیت تجارت ابریشم در زمان صفویه»، *ایران شناخت*، شمار ۵، صص ۱۳۰-۱۵۲.
- ترکمان، اسکندربیک منشی (۱۳۸۶). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پرتو، افشین (۱۳۷۹). *تاریخ گیلان پس از اسلام*، رشت: حرف نو.
- پیگولوسکیا و دیگران (۱۳۵۴). *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- پارسا دوست، منوچهر(بی تا). *روابط دیپلماسی شاه عباس اول*، بیجا: بی نا.
- جکسن، پیتر (۱۳۷۹). *تاریخ ایران دوره تیموریان (کمبریج)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات جامی.
- جمالزاده، محمدتقی (۱۳۸۴). *تاریخ روابط روس و ایران*، تهران: سخن.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۶). *دریانوردی ایرانیان*، جلد دوم، تهران: جاویدان.
- رابینو، ه. ل (۱۳۷۴). *ولایات دارالمرز ایران، گیلان*، ترجمه جعفر خمami زاده، رشت: طاعتی.
- رابینو، ه. ل (۱۳۶۹). *فرمانروایان گیلان*، ترجمه م. پ جکتاجی و رضا مدنی، رشت: گیلکان.
- دلاواله، پیتر (۱۳۸۰). *سفرنامه*، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: قطره.
- سپردوست، احمد (۱۳۸۴). *پژوهش در شناخت هویت کالبد شهر رشت*، رشت: سازمان عمران و به سازی شهری.

- سلطانیان، ابوطالب (۱۳۹۱). «کارکرد ارمنیان در اجرای سیاست انحصار ابریشم». فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال دوم، شماره ۴، صص ۲۷-۴۶.
- سیوری، راجر (۱۳۶۶). ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات سحر.
- سیوری، راجر (۱۳۷۲). ایران در عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- شاردن، سرجان (۱۳۷۲). سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، سه جلد، توس: تهران.
- شانی نو، ن بریان (۱۳۵۷)، تاریخ روسیه، ترجمه خانبابا بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شوشتر والسر، سبیلا (۱۳۶۴). ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران: امیرکبیر.
- شیبانی، نظام الدین، (۱۳۴۴). تشکیل شاهنشاهی صفویه احیای وحدت ملی، تهران: دانشگاه تهران.
- عظیمی دویخشری، ناصر (۱۳۸۱). تاریخ تحولات اجتماعی-اقتصادی گیلان، رشت: نشر گیلکان.
- فاخته، قربان (۱۳۸۲). تاریخ گیلان پس از اسلام، رشت: فرهنگ ایلیا.
- فریر، رانلد (۱۳۸۰). تاریخ ایران (دوره صفویان)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۷۵). زندگی شاه عباس، ج ۴، ۵، چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۶۹). زندگی شاه عباس، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۲). سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، تهران: سازمان کتاب‌های جیبی.
- عبدالله یف، فتح الله (۱۹۷۱). گوشه ای از مناسبات روسیه و ایران و سیاست انگلستان در ایران، ترجمه غلامحسین متین، تهران: بیرونی.
- کاتف، فدت (۱۳۵۶). سفرنامه، ترجمه محمدصادق همایون فرد، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- کرزن، لرد (۱۳۷۳). ایران و قضیه ایران، ۲ جلد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- لوفت، پاول (۱۳۸۰). ایران در عهد شاه عباس دوم، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: وزارت امور خارجه.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۴۴). انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۸۴). تماس اروپائیان با ایران (تاریخ ایران- دوره صفویان)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۹۰). تاریخ ایران کمبریج: دوره ی صفوی، قسمت سوم، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب.

- متی، رودیلف، پی (۱۳۸۷). *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفویه*، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۶۱). *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران: امیرکبیر.
- مشکوریان، محمدتقی (۱۳۹۲). «کمپانی مسکوی و آغاز روابط مستقیم انگستان با ایران در قرن شانزدهم میلادی». *پژوهش‌های علوم انسانی*، سال ۴، شماره ۱۷، صص ۲۴-۹.
- مینورسکی، (۱۳۷۸). *تذکره الملوک، سازمان اداری حکومت صفویه*، ترجمه مسعودرجب نیا، تهران: امیرکبیر.
- نوزاد، فریدون (۱۳۷۳). *نامه‌های خان احمدخان گیلانی*، تهران: بنیاد موقوفه افشار.
- نویی، عبدالحسین (۱۳۷۷). *روابط سیاسی و اقتصاد ایران در دوره صفویه*، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- نویی، عبدالحسین (۱۳۷۲). *روابط سیاسی ایران و اروپا در عصر صفوی*، تهران: انتشارات ویسمن.
- نویی، عبدالحسین (۱۳۷۰). *ایران و جهان از مغول تا قاجاریه*، ج ۱، تهران: انتشارات هما.
- نویی، عبدالحسین (۱۳۶۹). *ایران و جهان*، تهران: بنگاه نشرهما.
- نویی، عبدالحسین (۱۳۶۶). *ایران و جهان از مغول تا قاجاریه*، تهران: بنگاه نشرهما.
- نچکینا م. و، همکاران (۱۳۶۱). *تاریخ مختصر جهان*، جلد اول، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: انتشارات دنیا.
- نعمانی، فرهاد (۱۳۵۸). *تکامل فتودالیسم در ایران*، ج ۱، تهران: خوارزمی.
- نوزاد، فریدون (۱۳۷۴). «گیلان عصر صفویه در توفان سیاست». *گیلان ما*، سال اول، شماره ۱، صص ۶۳-۷۲.
- یوسف جمالی، محمدکریم (۱۳۸۵). *تاریخ تحولات ایران در عصر صفوی*، اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد نجف‌آباد.
- وحید قزوینی، محمد طاهر (۱۳۲۹). *عباسنامه: یا شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۳)*، به تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان، اراک: انتشارات داودی.

(ب) منابع انگلیسی

- Cambridge History of Iran (1986). *Cambridge History of Iran*, vol. 6, London, University press.
- Jenkinson, Anthony (1886). *Early Voyages and Travels to Russia and persiat*, 2vol, Hakluyt Society.